

ادامه از صفحه اول

فقدان پاسخگویی

بر این اساس هیچ کس نیایستی این فکر را به ذهن خودش راه دهد که آخر چگونه ممکن است با آن کارنامه عجیب هشت ساله، فردی مانند احمدی‌نژاد بار دیگر هوس بازگشت به فعالیت اجرایی کلان داشته باشد؟ ویژگی دوم نظام اجرایی ما که بازگشت احمدی‌نژاد را خیلی هم محتمل می‌کند، عنصر آینده‌نگری با درست‌تر گفته باشیم نبود آن است. مدیران دستگاه اجرایی، اغلب در لحظه و به‌روز زندگی می‌کنند. اینکه سیاست‌های امروزین آنان چه نتایج و تبعاتی برای ۱۰سال و یا حتی پنج‌سال آینده کشور به بار می‌آورد، چندان موضوعیت نمی‌یابد.
اینکه سیاست‌ها و عملکرد رییس سابق دولت در سال‌های ۸۴ تا ۹۲، در داخل کشور و در عرصه بین‌المللی چه آثار و تبعات بلندمدتی برای کشور به‌بارآورد، خیلی اهمیتی ندارد. مهم «حال» است. به عنوان مثال او تصمیم گرفت به ۷۵ میلیون جمعیت کشور، ماهانه ۴۵هزارو۵۰۰تومان پرداخت کند. اینکه این پول در بلندمدت از کجا باید تأمین می‌شد و مهم‌تر آنکه در طولانی‌مدت، چه لمطاتی به رشد و توسعه کشور وارد می‌کرد -همچنان که امروز این اتفاق افتاده است- خیلی اهمیتی نداشت. صرفا جهت نشان دادن تبعات همین تصمیم پرداخت یارانه فله‌ای، باید بگوییم که با احتساب ۶میلیون یارانه‌بگیر (رقم پرداختی این‌ماه)، پولی که دولت آقای روحانی می‌بایستی بابت یارانه بپردازد، از کل بودجه عمرانی یک‌ساله کشور که ۴۲هزارمیلیاردتومان است بیشتر خواهد بود. اما از آنجا که نظام برنامه‌ریزی ما نه خیلی مجهز به سیستم پاسخگویی و نه همچنین مجهز به آینده‌نگری است، بنابراین احمدی‌نژاد هرگز مجبور نشد در قبال این سیاست خود، پاسخگو باشد. بنابراین برای دوستانی که آرزوی بازگشت رییس دولت را در سر دارند، نه این تصمیم وی و نه هیچ‌یک از تصمیمات دیگر آن هشت سال، چندان موضوعیتی پیدا نمی‌کند.

گویی رییس دولت در آن هشت سال در کشور دیگری، رییس قوه‌مجریه بوده و در ایران برای نخستین‌بار است که قرار اسد مسوولیت اجرایی پیدا کند! می‌ماند نکته طریفی که به نظر می‌رسد «آن‌طرف‌آب» ی‌ها برای بازگشت وی به عرصه اجرایی قابل هستند و هر حرکت وی که حاوی نشانه‌ای از تمایل او به بازگشت باشد را معمولا با آب‌وتاب فراوان پوشش می‌دهند. نگارنده آدم بدبینی نیست و بیش از دوده‌است که دانشجویمان شاهد هستند چگونه با بنبدن وجودم سعی می‌کنم با «تئوری‌های توطئه» و «فرضیه‌های دلی‌جان نابالوئی» بچکنم. اما به‌راستی برای کسانی که خیر- سعادت ایران اسلامی را در بلندمدت نمی‌خواهند، آیا ستاریویی بهتر از بازگشت مجدد احمدی‌نژاد به دولت وجود دارد؟

صوت داوودی

آری، محمد اصفهانی من را یاد روزهای انقلاب و جنگ می‌اندازد. یاد روزهای خوب باهم‌بودن. روزهایی که درب خانه‌هایمان به روی هم باز بود و برای استقبال از یکدیگر اعتقاداتمان شخم زده نمی‌شد. روزهایی که دختر کم‌رجباج همسایه نیز به اندازه من که چادر به سر داشتم- بدون آنکه احساس برتری نسبت به دیگران داشته باشم- دغدغه آزادی و استقلال داشت. روزهایی که من و او ما شدیم و انقلاب کردیم و پای اعتقاداتمان ماندیم و دشمن را از خاکمان راندیم و با یکدیگر عهد کردیم که همچنان پای اعتقاداتمان بمانیم. محمد اصفهانی من را یاد محله قدیمی‌مان می‌اندازد: کوچه طهوری در خیابان باغ جواهری. خیابان ایران و زاله که از همان روزی که پدر محمد زخمی‌ها را بی‌سروصدا از مرگ نجات می‌داد، نام ۱۷ شهریور گرفت. محمد اصفهانی من را یاد شهید محبوبه دانش می‌اندازد و یاد مرحوم منیره بوستان و یاد مدرسه رفاه و یاد همشاکردی‌هایی که عضو گروه مقاومت بسیج محله ما بودند و نوبتی بالای پشت‌بام مسجد فائق کشیک می‌دادیم و کتابخانه مسجد را یک‌روزدرمان زنانه اداره می‌کردیم و کلاس‌های اسلحه‌شناسی و کتابخوانی‌مان را در خانه‌های محله‌مان برگزار می‌کردیم. محمد اصفهانی من را یاد شهید مظهری می‌اندازد که آزادی در کتاب‌هایش پررنگ بود و پررنگ ماند!

تعریف و تبیین شما از بحث «روس‌گرایی» در عرصه سیاسی ایران چیست و چه زمینه‌ها و بستریهایی برای آن قایلید؟

روس‌گرایی از آن جهت حایزاهمیت است که با قدرت‌یابی بخش‌های افراط‌تر محافظه‌کاران پیوند خورده. به‌خصوص زمانی که دولت احمدی‌نژاد با چراغ سبز اصولگرایان به‌دنبال اتحاد استراتژیک با کشورهای شرقی تحت عنوان سیاست نگاه به شرق بود. اصولگرایان برخلاف گفت‌وگوی تمدن‌های اصلاح‌طلبان که مهم‌ترین مساله را در عرصه جهانی دارابودن پشتوانه مردمی و نه داشتن متحدی استراتژیک می‌دانستند، رویکرد نگاه به شرق را‌تئوریزه کردند. از نظر اصلاح‌طلبان تعامل با دنیا نیازمند داشتن متحد استراتژیک نبود، ولی از نظر اصولگرایان به‌منظور بازدارندگی در برابر تهدیدات، گرایش به شرق و اتحاد با کشورهای قدرتمند آسیایی به‌ویژه روسیه ضروری بود و می‌توانست ضامن منافع کشور باشد و مساله فقدان متحد استراتژیک برای ایران را حل کند. از نظر آنان گره‌خوردن سیاسی، اقتصادی با قدرتی نظیر روسیه، به ثبات سیاسی بیشتر خواهد انجامید. اما برخلاف تصور اصولگرایان، سیاست نگاه به شرق طی دوره هشت‌ساله احمدی‌نژاد دستاورد چشمگیری نداشت. روسیه و حتی چین و هند نشان دادند با‌وجود اینکه مایل به گسترش روابط اقتصادی و تجاری با ایران هستند ولی به‌لحاظ برخی هزینه‌های هم‌پیمانی استراتژیک و راهبردی با ایران رغبت چندانى به همکاری در این زمینه ندارند. درواقع آنها منافع خود را در تعامل استراتژیک با غرب و تنها نوعی همبستگی و همکاری اقتصادی با کشورهای منطقه می‌دانستند. بر این اساس، چین و روسیه در عرصه بین‌المللی الگوهای جدیدی از گرایش‌های موازنه‌گرایی و تعامل با بازیگران منطقه‌ای را دنبال می‌کنند. روسیه، هند و چین به‌هیچ‌وجه مایل به رودررویی با آمریکا نیستند درواقع آنها به‌دنبال منافع ص�ردردی خویشند و فقط با کارت کشورهایی مثل ایران بازی می‌کنند. بنابراین اگر انتظارات از رویکرد نگاه به شرق دولت احمدی‌نژاد را به دو دسه انتظارات استراتژیک و غیراستراتژیک تفکیک کنیم بخش غیراستراتژیک آن که اشغال بازار ایران با تولیدات بی‌کیفیت روسیه و چین بود، تحقق یافته اما هیچ‌یک تن به برقراری پیوندهای استراتژیک با ایران ندادند.

این نگاه به روس‌گرایی موجب تطهیر غرب‌گرایی و مداخلات و تجاوزات ممالک غربی در ایران نمی‌شود؟

اینکه راجع به اثرات مخرب منطق و فرهنگ روسی می‌گویم بدین معنا نیست که اساسا در هیچ موردی از جانب دیگران به‌ویژه فرهنگ غربی نقدی در کار نیست و آنچه تهاجم فرهنگی خوانده می‌شود همه از باب خواب و خیال است. بلکه بر این اعتقادیم که مقوله تهاجم و تخریب فرهنگی را به دو صورت می‌توان بررسی کرد یکی تحقیقی و در پرتو مدارک و اسناد بدون جانبداری عاطفی و ایدئولوژیک که طبعاً قابل رد و اثبات است و دیگری بر‌خوردی احساسی که قابل اثبات و انکار نیست.

شما می‌دانید که اولیتامتو ۶۸ سال پیش ترومن رییس جمهور وقت آمریکا به روسیه در مورد ایران تأثیر بسزایی داشت. هنوز زنده هستند کسانی که خاطره اشغال آذربایجان، کردستان و یک‌سوم از خاک کشور توسط قوای استالین را شاهد بودند. تاریخ تجاوزات روسیه به خاک ایران و کشتار هموطنان ایرانی هنوز از خاطره ناخودآگاه جمعی ما پاک نشده‌است. سیاست روسیه جدای از اینکه چه نظام سیاسی برای بر کرملین حکمروایی کند، توسعه‌طلبانه بوده و هست چه به دست تزارها، چه دوره کمونیست‌ها و چه میراث‌داران فعلی. از این‌سفر فزقی میان پوتین و استالین وجود ندارد. نگاه دولتمردان روسی به ایران در تمام دوران‌ها استفاده ابزاری برای رسیدن به اهداف توسعه‌طلبانه خودشان است و برای رسیدن به این هدف از هرگونه آتش‌افروزی، تداوم تنش و خصومت میان ایران و ممالک غربی استقبال کرده، می‌کنند و خواهند کرد.

سیاست نگاه به شرق می‌تواند منافع دوطرف را تأمین کند و به‌قول آقای روحانی برد، برد باشد اینطور فکر نمی‌کنید؟

با تعامل منطقی و از موضع برابر با روسیه و چین مخالفت ندارم. ولی بازسازی هویت جدید روس تحت عنوان هویت «اوراسیا» و تلاش دولت پوتین برای تشکیلات اتحادیه اوراسیا بر پایه‌های فکری – فلسفی افرادی نظیر الکساندر دوگین مبتی بر ملی‌گرایی روس، یهودستیزی، آیین کلیسای ارتدوکس و احیای امپراتوری روس را برخلاف مصالح و منافع ملی خودمان می‌بینم. حتی حالا که شوری فروپاشیده و به‌قول امام، کمونیسم

سیاست

ابراهیم اصغرزاده در گفت وگو با«شرق»:

روس‌گرایان ایرانی همچنان در تخیلات غرق هستند



عکس: امیرحسین میرزایی

مسعود کاظمی

نه شرقی، نه غربی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی ایران بود. جمهوری اسلامی ایران می‌خواست کشورى مستقل باشد و سرنوشت خود و مردم را به تصمیمات و رویکردهای دیگر کشورها گره‌زنده و درعین‌حال با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی روابطی برابر داشته باشد. موضوع تسخیر سفارت آمریکا، جنگ تحمیلی، تحریم‌های کشورهای غربی علیه ایران و ... باعث شد جمهوری اسلامی چشم از غرب برگردد و با کشورهای شرقی مانند چین و به‌طور خاص روسیه، مناسبات سیاسی خود را گسترش دهد. آنچه در کنار همه اینها موردتوجه قرار می‌گیرد، نوعی احساس علاقه در جریان محافظه‌کار داخل ایران به روسیه است؛ علاقه‌ای که در دولت‌های نهم و دهم بیشتر به چشم آمد و نتایج چندان مثبتی به‌همراه نداشت. بسیاری از کارشناسان، اعتماد به روسیه را ریسکی باخطر بالا توصیف می‌کنند. ابراهیم اصغرزاده که روزی با طراحی حمله به سفارت آمریکا اوج تخاصم با غرب را به‌تصویر کشید و شاید یکی از علل نزدیکی به روسیه همان تصمیم او و دوستانش بود، امروز به‌شدت از روس‌گرایی محافظه‌کاران ایران انتقاد می‌کند و حتی نوع روابط فعلی ایران و روسیه را اشتباه می‌داند. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره مذاکرات هسته‌ای هم معتقد است: «ما با پشتوانه غرب بهتر می‌توانیم با روس‌ها مذاکره کنیم تا با شرکت روسیه بخواهیم وارد مذاکره با غرب شویم.» این بحثی بسیار جذاب و جالبش برانگیز است که متن کامل آن را در ادامه با هم می‌خوانیم:

به موزه سپرده شده بینبد باز روس‌ها سر جای اولشان ایستاده‌اند؛ خودشیفتگی و ترویج نفرت و کینه نسبت به شرکای غربی‌شان. مهم‌ترین دغدغه متفکران و تئورسیسین‌های کارگزار پروژه بازسازی عظمت از دست‌رفته روسیه، احیای همان سنت اقتدارگرای روسی مبتنی بر اخلاقیات پیشامدرن است؛ ستنی که تکنولوژی و حتی سرمایه‌داری و مناسبات کاپیتالیستی را از غرب اخذ می‌کند، اما ارزش‌های اخلاقی و انسانی آن نظیر حقوق فردی، حقوق بشر، لیبرالیسم سیاسی یا هر نوع اصلاحات دموکراتیک و تحول در شیوه زندگی دینی و قومی را طرد و نفی می‌کند. اتفاقا این وجه از سنت روس‌ها بیش از هرچیز توجه بخشی از محافظه‌کاران ایرانی را جلب کرده است. من این دغدغه گروه‌هایی را که نگران به‌خطرافتادن وحدت و انسجام اراکانیک حوزه‌های سنتی جامعه بر اثر تهاجم ارزش‌های غربی هستند، درک می‌کنم ولی ترجیح‌بند مشترک آنها در صددیت با منتقدان روسیه را نمی‌فهمم.

چرا باید منظور از غیرروس‌ها ایرانی‌ها باشند؟ چون عرب‌های منطقه خاورمیانه همواره به اهداف و مقاصد روس‌ها مشکوک بوده‌اند.

اتفاقا طرفداران روسیه در کشورهای غربی از طریق ناسیونالیسم عربی و حکومت احزابی چون حزب بعث سوریه و عراق و جنبش ناصریستی در مصر بیش از ایران بر تحولات سیاسی منطقه تأثیرگذار بوده و تأثیرات عمیق و پایداری گذاشته‌اند. اما حتی وقتی اندیشه کمونیسم پایش به ایران می‌رسد، رنگ‌بوی عوامانه، سطحی، روستایی و صددیت با لیبرالیسم سیاسی می‌گیرد. روس‌گرایی ایرانی همچنان در تخیلاتی همچون «لیبرالیسم غرب به احتضار افتاده و در مقابل چشمان ما می‌دهد.» غرق است و یادآور مواضع مشابه احزاب کمونیستی قرن بیستم است که می‌گفتند: «سرمایه‌داری به احتضار افتاده و در مقابل چشمان ما به‌زودی جان می‌دهد.» بعدا معلوم شد آنچه در «مقابل چشمان آنها جان داد» اقتصاد دولتی و الیگارشی رانت‌خوار اتحاد شوروی بود.

برآمدن جریانات سیاسی لیبرال در داخل روسیه نگاه طرفین را به یکدیگر تغییر نمی‌دهد؟ نظریه «اوراسیا» و اینکه فدراسیون روسیه یک کشور اوراسیایی با هویتی مجزا از اروپا و آسیاست، مخرج مشترک تمام جریانات سیاسی در روسیه از لیبرال تا رادیکال است. طبعاً گروه‌های لیبرال دیدگاه متفاوتی از رادیکال‌ها دارند. یکی از همین لیبرال‌ها ولادیمیر ژیرینوفسکی رهبر راسیست حزب لیبرال و معاون مجلس دوماي روسیه است که شهاب‌سنگ‌های

و تحرکات روسیه، مداخله آمریکا در اوکراین را عمل تجاوزکارانه خواند و گفت این ایالات‌متحده است که دارد منطقه را در آستانه جنگ قرار می‌دهد. در خوشبینانه‌ترین حالت، محافظه‌کاران ایرانی بر این باورند که در مذاکرات هسته‌ای ایران به کمک روسیه نیاز دارد. ضمن آنکه اگر ایران به صورت کامل از موضع روسیه حمایت کند، ممکن است این موضوع موجب شروع همکاری جدید بین تهران و مسکو در خزر و تعیین رژیم جدید حقوقی دریای خزر شود. رویای اصولگرایان این است که روسیه به دلیل اختلاف با غرب به ایجاد بلوک جدیدی از قدرت دست بزند که علاوه بر چین، هند و مثلا برزیل و آفریقای جنوبی، ترغیب شود ایران را هم به بازی بگیرد و احتمالا در باره حق و حقوق ایران در دریای خزر هم به تفاهمی بر اساس اصل انصاف تمایل نشان دهد. صحنه جالب‌تر وقتی بود که احمدی‌نژاد رییس‌جمهور اصولگرای آذتشه مقابل چشم همگان استوارنامه سفیر وژنولا را مانند کتاب مقدس بوسید و هاضمه محافظه‌کاران وطنی آن را به‌راحتی پذیرفت. اصولگرایان بهتر از من و شما می‌دانند، کافی بود رهبر فقید انقلاب، اسام خمینی در بزنگاه تاریخی وقتی جنگ به زمین سنگلاخ خورد، می‌توانست در مناسبات راهبردی ایران با شوروی تجدیدنظر کند و با پشتیبانی روس‌ها وجود صدام را بلاموضوع کند یا پایان جنگ را به‌گونه‌ای دیگر رقم بزند. اما جام زهر را نوشید و از موضعش پیرامون جنگ که ۲۰سال هم می‌توانست طول بکشد عدول کرد، اما دست به‌سوی مسکو دراز نکرد. حافظه تاریخی محافظه‌کاران آنجا که پای همکاری مسکو با تل‌آویو در میان است، با روسیه با یک رفت‌وآمد ساختگی حاکمیت ملی کشور مستقلی را نادیده می‌گیرد و کریمه را به خاک خود ضمیمه می‌کند یا به سرکوب مسلمانان چین، داغستان و دیگر نقاط می‌پردازد خود را به ندیدن می‌زند. تعجب من از محافظه‌کاران سنتی و دوراندیش است که چگونه احیای قدرت امپراتوری روسیه و خطر بیادشند، میل خفته سادستی به آب‌های گرم را دست‌کم گرفته

و از آن به‌راحتی می‌گذرند. منظورم بحث خصومت و دشمنی با مردم و دولت روسیه نیست، خصومت با روسیه همچون درگیری احساسی با جهان غرب پس از خاتمه جنگ سرد به ضرر و زیان کشور است. منافع ملی و منطق کشور برای حکم می‌کند روابط خوب و تعامل سازنده با تمامی کشورها داشته باشیم. شبیهانه‌ترین حالت این است که بگوییم اصولگرایان ایرانی چون تصور بسیطی از اتحادی راهبردی و مشارکت با روسیه دارند تصور می‌کنندپیرامون گلوبالیزاسیون، نظم نوین جهانی، نفوذ فرهنگ آمریکایی، نظام سرمایه‌داری غرب و بالاخره دوزدن تحریم‌ها، با روسیه دیدگاه مشترک و همسو دارند. برای درک بهتر سادۀاندیشی دوستان کافی است، تصور کنید اگر شوروی در رقابت با آمریکا فاتح جنگ سرد می‌شد وجود یک ابرقدرت پیروز در منطق استراتژیک منافع این ابرقدرت محسوب می‌شد. به‌تقد مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و پدیده‌های معرفتی مبتنی بر جهانی‌شدن می‌پردازد. دوگین، بنیانگذار جریان فکری نئوآوراسیا و از منتقدان جدی جهانی‌سازی در روسیه است و آرای وی درخصوص هویت یکانه و منحصربه‌فرد روسی و ضرورت حضور اثرگذار روسیه به‌عنوان حامل هویتی ویژه و متفاوت با هویت غربی در تعاملات تمدنی جهان امروز معروف است.

چرا اصولگرایان که در دهه اول، اصلاح‌طلبان را به جبه‌گیری و کمونیسم متهم می‌کردند، اکنون از موضع ضدآمریکایی گرایش به روسیه پیدا کرده‌اند؟ چه زمینه‌های سیاسی - تحلیلی را در این زمینه می‌توان برشمرد؟

آمریکاستیزی از مُدافتاده‌ای که زمانی در محافل مارکسیستی جهان سوم حاکم بود و تمامیت آمریکا را به ذات یا جوهریت به کار تقلیل می‌داد اینک الگوی روس‌گرایان ایرانی شده است. تا به این بهانه و بر اساس قاعده هدف وسیله را توجیه می‌کند چشم بر نادیده‌گرفتن جامعه مدنی و آزادی‌های دموکراتیک در روسیه بیندند. این رفتار مصداق یک بستر و دو رویاست، به قول سعدی «چپ آوازه افکند و از راست شد.» یکی از همین چهره‌های اصولگرا بدون اشاره به کشورگشایی

ادامه در صفحه ۶

نگاه

رابطه برنامه موشکی ایران و مذاکرات هسته‌ای

رضا نصری*

● پرتاب ماهواره «فجر» یک‌بار دیگر بحث برنامه موشکی ایران و جایگاه آن در مذاکرات هسته‌ای را پیش کشیده است. در واکنش به پرتاب این موشک فضایی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته است که «ساخت موشک‌های دارای توانایی حمل کلاهک هسته‌ای در ایران همواره بخشی از موضوع مذاکره با ۵+۱ بوده و خواهد ماند.» در واکنش به این اظهارات، دکتر عراقچی، عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده کشورمان، نیز پاسخ داده‌اند که «برنامه موشکی کشورمان ماهیت کاملا دفاعی دارد و جمهوری اسلامی ایران به‌هیچ‌عنوان مسایل دفاعی کشور را قابل مذاکره نمی‌داند.» در این میان، برخی رسانه‌های وابسته به جناح منتقد دولت هم – مانند گذشته – فرصت را مغتنم شمرده‌اند تا «توافقتنامه ژنو» را مقصر اصلی ورود بحث برنامه موشکی ایران به مذاکرات هسته‌ای معرفی کنند. رسانه‌های نزدیک به جناح منتقد و دولت آمریکا هر دو ادعا می‌کنند که شورای امنیت سازمان‌ملل فعالیت‌های مرتبط با موشک‌های بالستیک ایران را منع کرده است و از آنجا که در توافق ژنو از ضرورت «پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت» سخن به میان آمده، موضوع موشک‌های بالستیک ایران نیز خودبه‌خود در زمره موضوعات مورد بحث در مذاکرات قرار می‌گیرد.

اما حقیقت این است که توافقنامه ژنو به‌هیچ‌عنوان موضوع برنامه موشکی ایران را به‌عنوان یک موضوع مستقلی مذاکره، قابل طرح نمی‌داند. نکته مهمی که جناح منتقد دولت دولت آمریکا در نظر نمی‌گیرند، این است که آنچه توافقنامه ژنو طبیعتا (و خوشبختانه!) قابل طرح می‌داند «تحریم‌هایی» است که از جانب شورای امنیت روی برنامه موشکی ایران اعمال شده است. به عبارت ساده‌تر، ماهیت برنامه موشکی قابل بحث نیست، بلکه تحریم‌های تحمیل‌شده بر برنامه موشکی قابل بحث است! یعنی، مطابق توافقنامه ژنو، در روند مذاکرات، گروه ۱+۵ می‌تواند پیشنهاد برداشته‌شدن ممنوعیت فعالیت‌های موشکی بالستیک ایران را در ازای امتیازاتی در موضوع هسته‌ای از سوی ایران ارائه کند، اما نمی‌تواند انتظار داشته باشد که ایران خود تسلیم این ممنوعیت شده یا حدود و ثغور و چگونگی ماندگاری این ممنوعیت را به بحث بگذارد. فراموش نکنیم که توافقنامه ژنو، در کنار ذکر ضرورت «پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت» این نکته مهم را هم می‌افزاید که «راه‌حل جامع، می‌بایست شامل یک فرآیند متقابل و گام‌به‌گام بوده و به برداشتن کامل همه تحریم‌های شورای امنیت سازمان‌ملل منجر شود.» در نتیجه، برداشتن کامل تحریم‌های مندرج در آنها – از جمله تحریم‌ها روی برنامه موشکی – انجام دهند. ذکر این نکته مهم در متن توافقنامه، حمایت از دقت و ظرافت قابل‌تقدیری دارد که تیم مذاکره‌کننده ایران در تدوین آن به‌کار برده است؛ دقت و ظرافتی که هر تفسیر دیگری را «سیاسی» و مغرضانه می‌نماید.

موضوع حساسی
مطالعات بین‌المللی و توسعه ژنو

خبر

راکعی از شریعتمداری شکایت کرد

● ایسنا؛ سیدمحمود علیزاده‌طباطبایی وکیل‌مدافع فاطمه راکعی از شکایات موکش علیه حسین شریعتمداری مدیرمسوول روزنامه کیهان در دادسرای فرهنگ و رسانه خبر داد. او افزود: خانم راکعی از شریعتمداری به‌دلیل مطالباتی که علیه موکلش منتشر کرده بود، در دادسرای فرهنگ و رسانه شکایت کرد. شکایت موکلم از شریعتمداری برای رسیدگی به شعبه دوم بازپرسی دادسرای فرهنگ و رسانه ارجاع شده تا وی به دادسرا برای پاسخگویی احضار شود. علیزاده‌طباطبایی یادآور شد که اتهامات در این پرونده نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عموم و توهین عنوان شده است.

آنها به زمین پاک

پایک بانک اقتصاد نوین

EN BANK IRAN'S FIRST PRIVATE BANK

با هم، برای هم

پرداخت غیرحضورى همه قبوض با شماره رایگان ۲۰۰۰

جشنواره بزرگ

خوش حسابی ۲۰۰۰

۱۲ بهمن ۹۳ تا ۱۲ اردیبهشت ۹۴

با جوایز ارزنده

خودرو | گوشی تلفن همراه و تبلت

سفر به کیش | هدیه ازدواج